

## تحلیل سبکشناسانه عناصر معماری در فضا سازی شعر زنان معاصر ایران (مورد مطالعه: سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی)

پریا نریمانی<sup>۱</sup>، علی جوان فروزنده<sup>۲\*</sup>، حسن ستاری ساربانقلی<sup>۳</sup>، کامران پاشایی فخری<sup>۴</sup>

۱- گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲- گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

سال نوزدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۷، صص ۴۴-۲۱

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8342>

### نشریه علمی سبکشناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** فضا و عناصر کالبدی در شعر معاصر فارسی از توصیف ظاهری و بیرونی فراتر رفته و به بستری برای بازنمایی موقعیت وجودی، تجربه‌های جنسیتی و پیوند ذهن و عین تبدیل شده‌اند. پژوهش حاضر باهدف واکاوی سبکشناسانه و تحلیل ساختاری عناصر معماری در فضا سازی شعری دو شاعر زن معاصر، سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی، به دنبال تبیین الگوهای متمایز این دو شاعر در مواجهه با کالبد مصنوع و تجسم فضایی تن است.

**روشها:** این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی و بر پایه روش تمام‌شماری (سرشماری کامل ۷۵۰ واحد فضایی)، به بررسی و طبقه‌بندی عناصر کالبدی در دیوانهای دو شاعر پرداخته است. جهت سنجش پایایی کدگذاری از ضریب کاپای کوهن استفاده شد که مقدار آن برای دیوان اصفهانی (۰,۶۲) و برای بهبهانی (۰,۵۴) به دست آمد. تفاوت‌های بسامدی الگوها نیز از طریق آزمون ناپارامتری کای دو تحلیل گردید.

**یافته‌ها:** تحلیل آماری روی جدول توافقی ۱۲ خانواده کالبدی مشترک، تفاوت سبکشناسانه معناداری را میان الگوهای فضا سازی دو شاعر تأیید کرد (کای دو = ۸۲,۷۵، درجه آزادی برابر ۱۱، مقدار معناداری  $> 0,001$ ، وی کرامر = ۰,۳۳). غزل‌های شهری بهبهانی باتکیه بر اکنونات عینی و تجربه‌های روزمره، سوگیری شدیدی به سمت فضاهای درون‌بوم و عناصر گشودگی و انسداد (در، پنجره و دیوار) نشان میدهند. در مقابل، شعر هجرت اصفهانی با بسامد بالای عناصری چون قصر، سنگر و فضاهای عمومی، در خدمت بازسازی نوستالژیک وطن و بیان رنج تبعید قرار دارد. **نتیجه‌گیری:** عناصر معماری در شعر این دو شاعر، بازتابی از بدن‌مندی فضا و مناسبات جنسیتی عرصه زیست است. بهبهانی با حل تقابل درون و بیرون از طریق تخیل پویا، فضا را به ابزار مقاومت و کنش اجتماعی بدل میسازد، درحالی‌که اصفهانی کالبد مصنوع را به‌مثابه استخوان‌بندی و داکتوس حرکتی برای بازیابی هویت مکانی مفقود در غربت به کار میگیرد.

تاریخ دریافت: ۰۴ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ داوری: ۰۶ تیر ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۲۱ تیر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۰۵ شهریور ۱۴۰۵

#### کلمات کلیدی:

سبکشناسی فضایی، بوطیقای فضا، سیمین بهبهانی، ژاله اصفهانی، عناصر معماری، جنسیت فضا.

\* نویسنده مسئول:

✉  
(+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

**Stylistic Analysis of Architectural Elements in the Spatialization of Contemporary Iranian Women's Poetry**  
**(Case Study: Simin Behbahani and Zhaleh Esfahani)**

P. Narimani<sup>1</sup>, A. Javan Forouzandeh<sup>1\*</sup>, Hassan Sattari Sarbangoli<sup>2</sup>, Kamran Pashaei Fakhri<sup>3</sup>

1- Department of Architecture, Ard.C., Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2- Department of Architecture, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 25 May 2026

Reviewed: 27 June 2026

Revised: 12 July 2026

Accepted: 27 August 2026

KEYWORDS

Spatial Stylistics, Poetics of Space, Simin Behbahani, Zhaleh Esfahani, Architectural Elements, Gendered Space.

\*Corresponding Author

✉ [ali.javanforouzandeh@iau.ir](mailto:ali.javanforouzandeh@iau.ir)

☎ (+98 )

ABSTRACT

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** In contemporary Persian poetry, spatial and architectural elements have transcended purely external and superficial descriptions, evolving into a platform for representing existential positions, gendered experiences, and the mindbody connection. This study aims to conduct a stylistic and structural analysis of architectural elements in the poetic space of two prominent contemporary Persian women poets, Simin Behbahani and Zhaleh Esfahani, to explain their distinct patterns in confronting the built environment and embodied space.

**METHODOLOGY:** Utilizing a descriptive analytical approach based on a census method (comprehensive registration of 750 spatial units), this study examines and categorizes physical elements in both divans. Interrater reliability was assessed using Cohen's Kappa, yielding coefficients of 0.62 for Esfahani and 0.54 for Behbahani. Frequency variations were analyzed using the nonparametric Chisquare test.

**FINDINGS:** Statistical analysis of the contingency table containing 12 shared physical families confirmed a highly significant stylistic difference between the spatial patterns of the two poets (Chisquare = 82.75, df = 11,  $p < 0.001$ , Cramér's  $V = 0.33$ ). Behbahani's urban ghazals, grounded in objective immediacy and everyday experiences, show a strong orientation toward domestic spaces and elements of opening and closure (doors, windows, and walls). Conversely, Esfahani's exile poetry, characterized by a high frequency of castles, bastions, and public spaces, serves the nostalgic reconstruction of the homeland and the expression of displacement.

**CONCLUSION:** Architectural elements in the poetry of these two writers reflect 'embodied space' and the gendered dynamics of their environments. Behbahani transforms space into an instrument of resistance and social action by resolving the inner , outer dichotomy through dynamic imagination. Meanwhile, Esfahani utilizes the built environment as a skeletal architecture and kinetic ductus to reclaim a lost sense of place in exile.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8342>

| NUMBER OF REFERENCES                                                                      | NUMBER OF TABLES                                                                         | NUMBER OF FIGURES                                                                          |
|-------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
| <br>31 | <br>5 | <br>1 |

## مقدمه و بیان مسئله

تشبیه و استعاره فضایی از دیرباز از ارکان صور خیال شعر فارسی بوده‌اند و در سنت بلاغی ایران، تصویر یا صورت خیال رکن بنیادین شعر شمرده می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۲۴). (همایی این تصویرسازی خلاقانه را از ارکان علم بیان می‌شمارد) همایی، ۱۳۷۰: ۹۸ (و کزازی زیبایی‌شناسی ادراکی آن را در سخن پارسی تحلیل میکند) کزازی، ۱۳۶۸: ۴۲. (در سبکشناسی ساختاری معاصر، واژه‌ها دیگر واحدهایی زبانی نیستند، بلکه در پیوندگاه‌های افقی و عمودی متن، نوعی هندسه متن متناظر با پلانهای کالبدی بنا می‌سازند که اوزان عروضی به این کالبد زبانی، تشخص و انتظام هندسی می‌بخشند) فتوحی رودمعجنی، ۱۴۰۰: ۱۵. (بر همین پایه، واژه‌های کالبدی شعر، یعنی خانه، دیوار، پنجره، در، بام و زندان، پیش از آنکه اشاره‌ای به بنا باشند، صورتهایی خیالی از فضایی که تجربه زیسته شاعر را به زبان می‌آورند. پیوند شعر و معماری نیز فراتر از یک آرایه ادبی است و پیشینه‌ای در فرهنگ ایرانی دارد) شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۴۰؛ (آنتونیادس شعر را یکی از مجراهای اصلی خلاقیت معمارانه می‌شمارد) آنتونیادس، ۱۹۹۲: ۱۰۴. (و فالور با احیای مفهوم داکتوس نشان می‌دهد که شعر و بنا هر دو بدن مخاطب را در توالی زمان و مکان هدایت می‌کنند) فالور، ۲۰۲۴: ۷۰. (این عناصر همان نقاطی هستند که در آنها تجربه فضایی شاعر به تصویر بلاغی درمی‌آید و شالوده ادراکی مخاطب را هدایت می‌کند).

مسئله اصلی این پژوهش از همین جا برمی‌خیزد: اگر شعر منطق سازمان‌دهی فضا را در خود حمل می‌کند، این منطق را باید از دل کدامین عناصر و با کدامین روش استخراج کرد؟ پژوهشهای پیشین، چه در سنت سبکشناسی فارسی و چه در مطالعات غربی شعر و معماری - این پیوند را با شواهدی گزینشی و بدون سنجش بسامد بررسی کرده‌اند؛ حال آنکه ادعای معتبر درباره منطق فضا سازی، به سرشماری کل دیوان و شمارش عناصر نیاز دارد. ضرورت و اهمیت تحقیق از دو جهت است. نخست، از منظر سبکشناسی و صور خیال، تحلیل عنصر محور مبتنی بر سرشماری می‌تواند خوانش فضای شعر فارسی را از تفسیر گزینشی به تحلیل و اعتبارسنجی شده ارتقا دهد. دوم، انتخاب دو شاعر زن پاسخی آگاهانه به یک خلأ است؛ شعر زنانه فضا را از خلال بدنی تجربه می‌کند که حرکتش در عرصه عمومی تنظیم شده و از همین رو آرشیوی از تجربه فضایی را ثبت می‌کند که در اسناد رسمی غایب است. سیمین بهبهانی با نوسازی غزل، فضاهای شهری مدرن و بدن زنانه را به قالب کهن آورد و ژاله اصفهانی در تبعیدی چنددهه‌ای، تجربه بی‌مکانی و بازسازی وطن در زبان را صورت‌بندی کرد؛ دو تجربه متفاوت که پیکره‌ای متنوع برای آزمون تحلیل عنصر محور فراهم می‌آورند.

از حیث روش کار، پژوهش با تحلیل محتوای کیفی عنصر محور و سرشماری کل دیوان انجام شده و پیشینه مرتبط نشان می‌دهد که تاکنون چنین تحلیلی درباره این دو شاعر صورت نگرفته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی سبکشناسانه و تحلیل ساختاری عناصر معماری در فضا سازی شعری سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی و تبیین الگوهای متمایز این دو بانو در مواجهه با کالبد مصنوع و تجسم فضایی تن است. در راستای دستیابی به این هدف، این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی زیر است:

۱. پربسامدترین خانواده‌های عناصر کالبدی معماری در دیوان هر یک از دو شاعر کدامند و هر یک از این عناصر چه صورت خیالی و دلالت ضمنی‌ای را در جهان فکری آنان حمل می‌کنند؟
۲. الگوهای فضا سازی این دو شاعر در مواجهه با عناصر کالبدی مشترک، چه همانندیها، تفاوت‌های سبکشناسانه، آماری و دلالت‌های طراحانه‌ای را پیشروی خوانش معمارانه می‌گذارد؟

### پیشینه پژوهش

تبیین دقیق جایگاه عناصر کالبدی در تکوین فضاسازی شعری، نیازمند واکاوی جریانهای پژوهشی در سه سطح مفهومی است: مبانی نظری تعامل پدیدارشناختی فضا و متن، سبکشناسی ساختاری هندسه متن در ادبیات فارسی، و مطالعات موردی سبکشناسانه با تمرکز بر شعر زنان (باشلار، ۱۹۹۴: ۳۵؛ فتوحی رودممعجی، ۱۴۰۰: ۱۵؛ فاوولر، ۲۰۲۴: ۷۰).

### مبانی نظری تعامل فضا، بدن و متن (رویکرد پدیدارشناختی و داکتوس)

در نظریه کلان فضا و ادبیات، فضا دیگر نه یک ظرف فیزیکی مادی و بی طرف، بلکه پدیده‌ای پویا و برساخته از آگاهی تجسم‌یافته انسان تلقی میشود (لوفور، ۱۹۹۱: ۵۰). باشلار در کتاب بوطیقای فضا، با پی‌ریزی یک پدیدارشناسی تخیل نشان میدهد که عناصر کالبدی درون بوم مانند خانه، زیرزمین، آستانه و پنجره، طنین عاطفی و تشخص روانی عمیقی در ذهن ایجاد میکنند که بر عواطف و خاطرات مخاطب اثر میگذارد (باشلار، ۱۹۹۴: ۳۵). در امتداد این اندیشه، ادوارد کیسی بر اهمیت مفهوم بودن در مکان پای میفشارد و استدلال میکند که هنر با بیدار کردن حس تراکم احساس شده، ظرفیت انسان را برای ادراک جهان پیرامون هدایت میکند (کیسی، ۱۹۹۴: ۳۱). ازسوی دیگر، پدیدارشناسانی چون جف مالپاس، زبان را مقوله‌ای موقعیت‌مند و مکان‌مند دانسته و بر این باورند که زبان از طریق روایت‌آفرینی، پیوندی ناگسستنی میان ادراک حسی و هویت مکانی انسان برقرار میسازد (مالپاس، ۲۰۰۸: ۸۲). همچنین بابلی بهمه و مصطفوی نیا (۱۴۰۳: ۲۴) در تحلیل پدیدارشناختی فضا بر پایه نظریه باشلار نشان میدهند که فضا در شعر معاصر صبغه‌ای وجودی، حسی و عاطفی دارد و بازنمودی از سکنی‌گزیدن عاطفی شاعر و رویارویی او با جهان در قالب سرپناه روانی است؛ یافته‌ای که انطباق کارآمد رویکرد پدیدارشناسی باشلار را در متون ادبی معاصر اثبات میکند.

در تلاقی کاربردی این مناسبات، الیزابت فاوولر در نظریه خود با عنوان شعر و محیط مصنوع، مفهوم تاریخی داکتوس (Ductus) را احیا میکند (فاوولر، ۲۰۲۴: ۷۰). از نظر فاوولر، اثر هنری (خواه یک بنای معماری باشد یا یک قطعه شعر) با بهره‌گیری از ویژگیهای محسوس خود، دستورالعملهای حرکتی و عاطفی خاصی صادر میکند که بدن ادراک‌کننده مخاطب را در طول زمان و مکان هدایت مینماید؛ این فرایند، همکاری پویایی میان کالبد مصنوع مادی و تن گوشتی و حساس انسان برقرار میسازد. همچنین آنتونیادس در بوطیقای معماری، شعر را یکی از کانالهای بنیادی تخیل طراحانه میخواند که هندسه و کالبد فضایی را پیش از تجسد فیزیکی، در تاروپود کلمات و واژه‌ها پی میریزد (آنتونیادس، ۱۹۹۲: ۱۰۴).

### سبکشناسی ساختاری و هندسه فضایی متن در ادبیات فارسی

رویکرد پدیدارشناختی و فضایی در سالهای اخیر به حوزه سبکشناسی و بلاغت شعر فارسی نیز راه یافته است. در این قلمرو، فتوحی رودممعجی با ارائه نظریه سبکشناسی ساختاری و طرح مفهوم هندسه متن نشان میدهد که کلمات در پیوندگاههای افقی و عمودی خود، نوعی پلان و کالبد متناظر با فضاها، معمارانه بازتولید میکنند که اوزان عروضی به این کالبد زبانی، تشخص و انتظام هندسی میبخشند (فتوحی رودممعجی، ۱۴۰۰: ۱۵). همسو با این جریان، پورنامداریان و سیدی در بررسی تطبیقی فضاسازیهای ذهنی در شعر نو، فرایند تبدیل کالبد مادی به کیفیتهای صوری ادبی در روستاخت کلام را ردیابی کرده‌اند (پورنامداریان و سیدی، ۱۴۰۱: ۲۰۸). پورنامداریان پیش‌ازاین نشان داده بود که مکان در شعر معاصر فارسی از یک توصیف ظاهری و بیرونی محض، به نمادی از موقعیت وجودی شاعر ارتقا مییابد (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۷۵). در همین راستا، غفاری و امینی فرایند کیفیت‌بخشی

معنایی به فضا را بررسید و نشان داده‌اند که شعر معاصر چگونه فضاهای کالبدی را به ابزارهایی برای بیان تجربه‌های روانی عمیق بدل می‌سازد (غفاری و امینی، ۱۴۰۲: ۶۰)؛ جریانی که انصاری و غلامحسین‌زاده نیز بازنمایی نشانه‌شناختی آن را در بازسازی کالبدی شعر نو تحلیل کرده‌اند (انصاری و غلامحسین‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۲).

### جنسیت، غربت و تجربه زیسته فضا در شعر زنان

سطح سوم پیشینه‌ها بر جامعه مطالعاتی این پژوهش متمرکز است. نظریه پردازان فضا، از جمله دورین مسی، اثبات کرده‌اند که مرزهای فضایی و به‌ویژه دوگانه درون و برون (خانه و عرصه عمومی) در طول تاریخ بر پایه مناسبات جنسیتی و الگوهای قدرت تعریف و بازتولید شده‌اند (مسی، ۱۹۹۴: ۱۲). باوجود این، پژوهشهای موجود درباره دو شاعر مورد مطالعه، از واکاوی این مناسبات با رویکرد سبکشناسی کالبدی غفلت ورزیده‌اند.

در خصوص سیمین بهبهانی، دادور و صادقی با رویکردی نشانه‌شناختی به مناسبات فضاهای درون‌بوم (مانند اتاق و حریم خانه) در پیوند با هویت زنانه پرداخته‌اند، اما تمرکز آنها بر نشانه‌شناسی فرهنگی بوده و به عناصر معماری اصالت کالبدی و سبکشناسانه نداده‌اند (دادور و صادقی، ۱۴۰۱: ۳۰۸). امید علی و کریمی نیز بوطیقای فضا را در غزل‌های اجتماعی او واکاویده‌اند، اما کانون تحلیل خود را بر روستاهای زبانی نهاده و از واکاوی بسامدی و عناصر کالبدی بازمانده‌اند (امید علی و کریمی، ۱۴۰۲: ۱۵۰). در حوزه بین‌المللی نیز هم‌تاسی بازسازی مام میهن را به‌مثابه فضایی نمادین در شعر بهبهانی واکاوی ده (بدون ارجاع به هندسه مصنوع فضا) (هم‌تاسی، ۲۰۱۷: ۴۱۵) و میلانی به تحلیل ابعاد ملی و جهانی سبک او بسنده کرده است (میلانی، ۲۰۰۸: ۳۴۰). حسن‌لی و حیدری (۱۳۸۵: ۱۲) با بررسی ورود عناصر زندگی معاصر به شعر سیمین بهبهانی، عینی‌گرایی تصویری او را تحلیل کرده و نشان داده‌اند که این عینی‌گرایی چگونه باعث واردشدن جزئیات کالبدی زندگی روزمره (همچون در، پنجره، خیابان، خانه، پتو و چراغ) به دایره صور خیال او شده و سبک او را از غزل انتزاعی سنتی متمایز ساخته است. علاوه بر این، درویشی و زیرک ساز (۱۳۹۹: ۳۱) بر صدای زنانه و ورود اصطلاحات روزمره کالبدی درون‌بوم (مطببخ، اتاق و اشیا) تأکید کرده و تبیین نموده‌اند که بهبهانی چگونه از طریق این کالبد بیانی زنانه‌ای خلق می‌کند.

درباره ژاله اصفهانی نیز، خادمی و طاهری جلوه‌های نوستالژی وطن را در دیوان او پی گرفته‌اند، اما از واکاوی واژه‌های کلیدی کالبدی (نظیر آستانه، پله و پنجره) به‌مثابه ابزارهای صوری فضا سازی غافل شده‌اند (خادمی و طاهری، ۱۴۰۳: ۱۲۵). جمعه فلاحیه‌زاده و همکاران نیز باتکیه بر نظریه لیکاف، زبان جنسیتی او را بدون توجه به نقش سبکشناسانه عناصر کالبدی کاویده‌اند (جمعه فلاحیه‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۲) و عابدی بر درون‌مایه‌های اجتماعی شعر او متمرکز مانده است (عابدی، ۱۴۰۰: ۱۵۳). از منظر تاریخی و اجتماعی نیز، داراب‌پور (۱۳۹۰: ۲۷) با بررسی جایگاه زن ایرانی در شعر معاصر، چگونگی ورود زنان به عرصه‌های عمومی پس از مشروطه و نمود کالبدی و فیزیکی این حضور اجتماعی را در آثار شاعران زن (به‌ویژه سیمین بهبهانی) تحلیل کرده است؛ امری که نشان‌دهنده تطور تاریخی درک هویت فضایی و کالبدی در شعر زنان معاصر است. در امتداد این تحول روش‌شناختی، نریمانی (۱۴۰۵: ۴۵) در رساله دکتری خود به بازتعریف جامع فضای معماری از منظر شعر معاصر پرداخته و زمینه‌های نظری و بستر ساختاری کاملی برای بررسی هویت کالبدی در اشعار بهبهانی و اصفهانی ارائه داده است.

در یک نگاه شبکه‌ای، این پژوهشهای پیشین و مکمل نشان می‌دهند که چگونه پیوند کالبد فیزیکی و تخیل شاعرانه می‌تواند مبنای الگوهای جدیدی در سبکشناسی فضایی قرار گیرد.

جدول ۱. سوابق پژوهشی مرتبط و زاویه تمایز پژوهش حاضر

| نویسنده و سال                        | کانون تمرکز پژوهش                                                   | خلأ و کاستی روش شناختی                                                                      | زاویه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر                                                           |
|--------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| جمعه فلاحیه<br>(زاده ۱۴۰۳)           | تحلیل زبان جنسیتی<br>شعر ژاله اصفهانی بر پایه<br>نظریه لیکاف        | تمرکز بر ویژگیهای واژگانی<br>زبان جنسیتی بدون توجه به<br>بازتاب کالبدی تن زنانه در فضا      | بررسی پیوند میان کالبد شعری<br>با بدن‌مندی فضا در تعامل با<br>عناصر فیزیکی معماری         |
| بابلی بهمه و<br>مصطفوی نیا<br>(۱۴۰۳) | تحلیل بوطیقای فضای<br>باشلار در شعر معاصر                           | تمرکز بر نمونه موردی<br>انفرادی شاعر مرد عرب<br>(جمال‌الدین) بدون تطبیق<br>جنسیتی           | تحلیل تطبیقی و جنسیتی<br>بوطیقای فضا در شعر زنان شاعر<br>ایرانی                           |
| خادمی و طاهری<br>(۱۴۰۳)              | واکاوی نوستالژی مکان و<br>عناصر کالبدی خانه در<br>شعر ژاله اصفهانی  | رویکرد معنایی و مضمونی به<br>خانه بدون بررسی ساختار<br>صوری عناصری چون پنجره،<br>در و پله   | تحلیل ساختاری و سبکشناسانه<br>دلالت‌های عینی عناصر گشودگی<br>و انسداد و تطبیق آماری آنها  |
| امید علی و<br>کریمی (۱۴۰۲)           | بررسی بوطیقای فضا در<br>غزل‌های اجتماعی<br>سیمین بهبهانی            | تمرکز بر هندسه کلمات و<br>روساختهای زبانی محض<br>بدون توجه به بسامد واقعی<br>عناصر بنا      | واکاوی تمام‌شماری شده عناصر<br>کالبدی معماری و تبیین<br>سبکشناسانه توزیع بسامدی آنها      |
| دادور و صادقی<br>(۱۴۰۱)              | تحلیل نشانه‌شناختی<br>هویت زنانه و فضاهای<br>درون‌بوم سیمین بهبهانی | نگرش کیفی صرف و بی<br>توجهی به بسامد واقعی و<br>پایایی آماری کدگذاری عناصر<br>کالبدی        | سرشماری کل دیوان، کدگذاری<br>پایایی با ضریب کاپا و آزمون<br>تمایز ساختاری کای‌دو          |
| هماسی<br>(۲۰۱۷)                      | بازسازی وطن نمادین در<br>شعر و ترانه‌های سیمین<br>بهبهانی           | غلبه رویکرد تحلیل فرهنگی و<br>سیاسی بر ساختار صوری ادبی<br>و غفلت از تحلیل بسامدی<br>کالبدی | تبیین ساختاری فرایند گذار<br>عناصر معماری از مصداق<br>کالبدی به نماد فکری و<br>سبکشناسانه |
| درویشی و زیرک<br>ساز (۱۳۹۹)          | تحلیل طنین صدای زنانه<br>و زبان کالبدی درون‌بوم<br>بهبهانی          | رویکرد فمینیستی معنایی<br>محض بدون ارائه الگوهای<br>بسامدی و تطبیقی                         | پیوند سبکشناسانه کالبد کلام با<br>بدن‌مندی فضا در دو دیوان                                |

|                          |                                                      |                                                                                  |                                                                    |
|--------------------------|------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|
| داراب پور<br>(۱۳۹۰)      | بررسی تاریخی جایگاه زن<br>ایرانی در شعر معاصر        | غلبه تحلیل کلی تاریخی و<br>اجتماعی بدون تحلیل کالبدی<br>و سنجش فراوانی عناصر بنا | تحلیل ساختاری و تطبیقی توزیع<br>عناصر فضا با کدگذاری آماری<br>کاپا |
| حسن لی و حیدری<br>(۱۳۸۵) | واکاوی عینی گرایی و<br>عناصر معاصر در شعر<br>بهبهانی | عدم تفکیک عناصر گشودگی و<br>انسداد و رویکرد توصیفی                               | تحلیل سبک شناختی ساختاری و<br>تطبیق آماری با کای دو                |

### جمع بندی و خلأ پژوهشی

ارزیابی انتقادی و این جریان پژوهشی، دو نکته کلیدی را عیان میسازد: نخست، بخش عمده مطالعات فضای معماری در ادبیات فارسی تا به امروز بر شعر کلاسیک یا شاعران مرد (همچون نیما یوشیج و سهراب سپهری) متمرکز بوده و از جنسیت تجربه فضایی در شعر زنان غفلت ورزیده است. دوم، روش مراجع موجود به رویکرد تفسیری کیفی روی چند نمونه برگزیده ذوقی بسنده کرده و از ارائه یک الگوی کالبدی مبتنی بر تمام شماری، بسامد و سنجش پایایی خودداری ورزیده اند. این پژوهش برای نخستین بار با درک این خلأ موضوعی، روش شناختی و تطبیقی، به تحلیل، تمام شماری شده و منطبق بر اعتبارسنجی آماری عناصر معماری در فضا سازی شعر سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی میپردازد تا الگویی نوین از سبکشناسی ساختاری را پی بریزد.

### مبانی نظری

#### صور خیال و هندسه فضایی متن

در سنت بلاغی ایران، صورت خیال رکن اصیل و شالوده اساسی شعر شمرده میشود که از حالت انتزاعی به مرور خارج شده و در پیوند با زیست جهان و جهان بینی شاعر به پویایی میرسد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۲۴). همایی این تصویرپردازی خلاقانه را از ارکان علم بیان می شمارد (همایی، ۱۳۷۰: ۹۸) (و کزازی زیبایی شناسی ادراکی آن را در سخن پارسی تحلیل میکند (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۲). در سبکشناسی ساختاری معاصر، واژه ها دیگر واحدهایی زبانی نیستند، بلکه در پیوندگاه های افقی و عمودی متن، نوعی هندسه متن متناظر با پلانهای کالبدی بنا میسازند که اوزان عروضی به این کالبد زبانی، تشخیص و انتظام کالبدی میبخشند (فتوحی رودمجنی، ۱۴۰۰: ۱۵). بر اساس، عنصر کالبدی در شعر را نباید یک ارجاع عینی و تزیینی دانست، بلکه آن بازتاب عاطفی، طنین روانی و تجسم احساس شده فضا در دستگاه فکری شاعر است (غفاری و امینی، ۱۴۰۲: ۶۰). در پدیدارشناسی تخیل باشلار، عناصر کالبدی درون بوم مانند خانه، آستانه و پنجره، واجد طنین روانی و تشخیص عاطفی عمیقی هستند که بر رؤیابافی و خاطرات مخاطب اثر میگذارند (باشلار، ۱۹۹۴: ۳۵؛ بابلی بهمه و مصطفوی نیا، ۱۴۰۳: ۲۴). فضا در شعر معاصر فارسی دارای صیغه ای وجودی، حسی و عاطفی است و نحوه مواجهه عاطفی شاعر با جهان به منزله سرپناهی روانی را متجلی میسازد و این فرایند با مفاهیم مکان دوستی و مکان کاوی باشلار پیوند میخورد (بابلی بهمه و مصطفوی نیا، ۱۴۰۳: ۲۴).

### خوانش سبک‌شناختی لایه‌ای فضا

سبک‌شناسی شعر فارسی بر تحلیل سه‌سطحی زبانی، ادبی و فکری استوار است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۸۶؛ فتوحی رودمعجنی، ۱۴۰۰: ۱۵). در این پژوهش، خوانش عناصر کالبدی معماری نیز بر همین الگوی سه‌لایه بنا شده است: نخست، سطح زبانی و مصداقی که معطوف به کارکرد کالبدی و مادی عناصر در رو ساخت کلام است؛ دوم، سطح ادبی و بلاغی که به چگونگی ارتقای مراجع عینی به صور خیال، استعاره‌ها و تشبیه‌های فضایی می‌پردازد؛ و سوم، سطح فکری که معنای ضمنی و دلالت‌های ایدئولوژیک، جنسیتی و روان‌شناختی عناصر را در جهان‌بینی شاعر ردیابی میکند. پورنامداریان نشان می‌دهد که در شعر معاصر، فضا و مکان از توصیف‌های ظاهری و بیرونی محض عبور کرده و به نمادی از موقعیت وجودی شاعر ارتقا یافته‌اند (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۷۵). پورنامداریان و سیدی همین گذار از عنصر کالبدی مادی به کیفیتهای صوری ادبی در رو ساخت کلام را پی گرفته‌اند تا نشان دهند که فضای مصنوع در شعر معاصر چگونه بازتاب‌دهنده تجارب اگزیستانسیال انسان معاصر است (پورنامداریان و سیدی، ۱۴۰۱: ۲۰۸). این الگوی تفسیری لایه‌ای، امکان فهم چگونگی تبدیل یک ساختار فیزیکی صلب (مانند دیوار یا زندان) به یک موقعیت عاطفی و فکری را فراهم می‌سازد. بر این مبنا، لایه‌های سه‌گانه سبک‌شناسانه فضا با ابعاد پدیدارشناختی و ادراکی مسکن در شعر معاصر بر پایه بازتعریف فضای معماری از منظر شعر معاصر پیوندی اندام وار می‌یابند.

### هم‌سرشتی شعر و معماری و جنسیت‌مندی فضا

پیوند میان معماری و شعر ریشه‌ای دیرینه در سنت و فرهنگ ایرانی دارد که در آن تزیینات کتیبه‌ها و ساختارهای فضایی همواره با کلام شاعرانه درآمیخته است (شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۴۰). مارتین هایدگر با طرح مفهوم سکونت شاعرانه، معماری را کوششی برای معنادار کردن زمین و آسمان دانسته و آن را با حقیقت زبان پیوند می‌زند (هایدگر، ۱۹۷۱: ۵۸). آنتونیادس نیز شعر را یکی از کانال‌های بنیادی تخیل طراحانه می‌خواند که هندسه و کالبد فضایی را پیش از تجسد فیزیکی، در تاروپود کلمات پی میریزد و آن را فناوری سازمان‌دادن به زمان معرفی میکند (آنتونیادس، ۱۹۹۲: ۱۰۴). در امتداد این تعامل، الیزابت فاوئر در نظریه خود با عنوان شعر و محیط مصنوع، مفهوم تاریخی داکتوس را احیا میکند (فاوئر، ۲۰۲۴: ۷۰). از نظر او، شعر و بنا هر دو با بهره‌گیری از ویژگیهای محسوس کالبدی خود، دستورالعمل‌های حرکتی و عاطفی صادر میکنند و بدن ادراک‌کننده مخاطب را در توالی زمان و مکان هدایت مینمایند (فاوئر، ۲۰۲۴: ۷۰). این هم‌سرشتی در رویکردهای نوین بوطیقای مکان، شعر را به‌عنوان یک هندسه استخوانی برای کشف پویاییهای فضا، اتمسفر و حافظه معرفی میکند که بر تراکم احساس شده فضا تمرکز دارد (هاویک و دیگران، ۲۰۲۵: ۹؛ گادوین، ۲۰۱۹: ۷۵). سرانجام، مرزهای خصوصی و عمومی فضا در طول تاریخ همواره بر پایه ساختارهای جنسیتی و مناسبات قدرت بازتولید شده‌اند (مسی، ۱۹۹۴: ۱۲). از این رو، تحلیل جنسیت مندی فضا در شعر زنان تلاشی برای به‌رسمیت‌شناختن حضور بدنی زنان در عرصه‌های شهری و به چالش کشیدن انضباط فضاهای مصنوع است (مسی، ۱۹۹۴: ۱۲؛ دادور و صادقی، ۱۴۰۱: ۳۰۸؛ جمعه فلاحیه‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۲).

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی و تطبیقی، به شیوه تحلیل محتوای کیفی و بر پایه سرشماری کامل دیوان دو شاعر انجام شده است. برای تضمین دقت علمی و تکرارپذیری، مراحل پژوهش گام‌به‌گام و با معیارهای صریح روش‌شناختی سامان یافته‌اند. تمرکز اصلی این روش‌شناسی بر سبک‌شناسی

صور خیال و استخراج الگوهای فضا سازی کالبدی است. امری که به تصریح نریمانی (۱۴۰۵) در تبیین نظریه های معمارانه شعر نو نقش بسزایی دارد.

#### جامعه و راهبرد نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر را کل شعرهای منتشر شده سیمین بهبهانی (شامل: جای پا، چلچراغ، مرمَر، رستاخیز، خطی ز سرعت و آتش، دشت ارژن، یک دریچه آزادی، یکی مثلاً این که ... تازه ها (و مجموعه اشعار ژاله اصفهانی شامل: گل‌های خودرو، زنده رود، کشتی کبود، اگر هزار قلم داشتم، نقش جهان، البرز بی شکست، باد شرطه، خروش خاموشی، سرود جنگل، ترنم پرواز، موج در موج، شکوه شکفتن، اشعار منتشر نشده (تشکیل می‌دهند. برای پرهیز از سوگیری و گزارشهای گزینشی، راهبرد نمونه گیری بر پایه سرشماری (تمام شماری) بنا شده است. بر این مبنا، تمامی ابیات و بندهایی که واجد کوچک ترین دلالت یا ارجاع کالبدی و فضایی بودند، استخراج شدند. پیکره نهایی برای بهبهانی ۴۰۰ واحد از دیوان و برای اصفهانی ۳۵۰ واحد از مجموعه اشعار او را در بر گرفت.

#### قاعده شمارش و واحد تحلیل

در این پژوهش دو مبنای شمارش از هم تفکیک شده است تا ابهامی در خواندن جدولها به وجود نیاید. مبنای نخست، واحد سرشماری است: هر بیت یا بند دارای دلالت فضایی به عنوان یک واحد متمایز ثبت شد (۴۰۰ واحد در بهبهانی و ۳۵۰ واحد در اصفهانی)، این واحدها مبنای اصلی تحلیلهای پدیدارشناختی و محاسبه پایایی ضریب کاپا هستند. مبنای دوم، رخداد عنصر است: از آنجاکه ممکن است در یک واحد سرشماری بیش از یک عنصر کالبدی حضور داشته باشد، هر عنصر به عنوان یک رخداد مستقل شمارش شده است. از این رو، مجموع رخدادها در دیوان بهبهانی ۴۶۰ مورد و در دیوان اصفهانی ۲۸۶ مورد ثبت گردید.

#### ابزار و فرایند گردآوری داده

ابزار اصلی پژوهش، یک کد نامه تخصصی و ساختاریافته است که بر پایه تعاریف عملیاتی شاخصهای معنایی و کالبدی در مبانی نظری شکل گرفته است. فرایند گردآوری داده ها با بازخوانی کامل دیوانها و ثبت شواهد در یک ماتریس داده شامل کدهای دفتر، شعر، شاهد متنی، خانواده واژه های و کارکرد ضمنی انجام شد. این روش شناسی و چندلایه، پیوند میان کالبد مصنوع و تخیل شاعرانه را به صورتی عینی راستی آزمایی میکند؛ روشی که نریمانی و همکاران (۱۴۰۳) آن را گامی ضروری برای بومی سازی مطالعات تطبیقی شعر و فضا قلمداد میکنند.

#### تبیین روش شناختی پایایی کدگذاری و ضریب کاپای کوهن

روایی محتوا از راه استخراج شاخصها از مبانی نظری و بازبینی کد نامه تأمین شد. برای سنجش پایایی، کل پیکره کدگذاری شده به صورت مستقل و کور توسط کدگذار دوم باز کدگذاری و ضریب کاپای کوهن محاسبه شد. کاپا بر پایه رابطه زیر به دست می آید که در آن  $P_o$  توافق مشاهده شده و  $P_e$  توافق مورد انتظار بر پایه شانس است:

$$K = (P_o - 1) \div (P_e - 1)$$

برای دیوان بهبهانی، از ۴۰۰ واحد، ۲۵۲ واحد توافق اولیه داشت ( $P_o = 252 \div 400 = 0.63$ ) و توافق تصادفی  $P_e = 0.192$  برآورد شد؛ بنابراین:

$$K (\text{بهبهانی}) = (0.63 - 0.192) \div (0.63 - 1) = 0.438 \div 0.808 \approx 0.54$$

برای دیوان اصفهانی، از ۳۵۰ واحد، ۲۴۱ واحد توافق اولیه داشت ( $P_o = 241 \div 350 = 0.689$ ) و  $P_e = 0.176$ ؛ بنابراین:

$$K (\text{اصفهانی}) = (0.689 - 0.176) \div (0.689 - 1) = 0.513 \div 0.824 \approx 0.62$$

بر پایه طبقه‌بندی لندیس و کاخ، مقدار ۰,۵۴ در بازه توافق متوسط (۰,۴۱ تا ۰,۶۰) (و مقدار ۰,۶۲ در بازه توافق چشمگیر (۰,۶۱ تا ۰,۸۰) (جای میگیرد. ضرایب جایگزین با کاپا هم‌سو ولی نابرابرند: پای اسکات ( $\pi$ ) به ترتیب ۰,۵۳۷ و ۰,۶۲۱ و ضریب هولستی به ترتیب ۰,۶۳۰ و ۰,۶۸۹ به دست آمد.

خلاصه محاسبات و ضرایب سنجش پایایی کدگذاری دیوانها در جدول ۲ منعکس شده است. پایین‌بودن نسبی توافق در دیوان بهبهانی ارتباط مستقیمی با فراوانی بسیار بالای شاخصهای معنایی رابطه‌ای، به‌ویژه مناسبات پیچیده ذهن و عین در شعر او دارد. در تحلیل متون ادبی، بر خلاف آزمایشهای بالینی، زبان شعری ماهیتی استعاری، چندمعنا و تأویلی دارد؛ بنابراین چندلایگی صور خیال بهبهانی خوانشهای متکثری را میان کدگذاران برمی‌انگیزد و دستیابی به توافق مطلق را دشوار می‌سازد. باین‌حال، برای تضمین پویایی علمی پژوهش، تمامی ۱۴۸ مورد اختلاف کدگذاری در دیوان بهبهانی و ۱۰۹ مورد در دیوان اصفهانی، در گام پایانی با دآوری و حضور کدگذار سوم مستقل بررسی و پس از بازخوانی شواهد متنی، به کد اجماعی نهایی تبدیل و مبنای تحلیل آماری قرار گرفت.

جدول ۲. خلاصه محاسبات و ضرایب سنجش پایایی کدگذاری دیوانها

| شاخص سنجش پایایی                        | دیوان سیمین بهبهانی    | دیوان ژاله اصفهانی         | تفسیر و سطح توافق (لندیس و کاخ)        |
|-----------------------------------------|------------------------|----------------------------|----------------------------------------|
| تعداد کل واحدهای تحلیل (N)              | واحد                   | ۳۵۰ واحد                   | مبنای تمام‌شماری دیوانها               |
| تعداد توافق اولیه مشاهده‌شده ( $P_0$ )  | واحد (۰,۶۳۰)           | ۲۴۱ واحد (۰,۶۸۹)           | توافق اولیه فاقد شانس تصادفی           |
| توافق موردانتظار بر پایه شانس ( $P_e$ ) | ۰,۱۹۲                  | ۰,۱۷۶                      | احتمال توافق تصادفی دو کدگذار          |
| ضریب کاپای کوهن ( $\kappa$ )            | ۰,۵۴                   | ۰,۶۲                       | شاخص اصلی سنجش پایایی پژوهش            |
| سطح توافق پایایی (کاپا)                 | توافق متوسط (Moderate) | توافق چشمگیر (Substantial) | طبقه‌بندی استاندارد لندیس و کاخ (۱۹۷۷) |
| ضریب پایای اسکات (Scott's Pi $\pi$ )    | ۰,۵۳۷                  | ۰,۶۲۱                      | شاخص جایگزین همسو با کاپا              |
| ضریب توافق هولستی (Holsti)              | ۰,۶۳۰                  | ۰,۶۸۹                      | شاخص درصد توافق ساده اولیه             |

### روش تحلیل و ملاحظات اخلاقی

تحلیل داده‌ها در دو سطح متمایز کمی و کیفی صورت پذیرفته است. در بخش کمی، ابتدا توزیع بسامدی و نرمال شده عناصر (در هزار رخداد) برآورد گردید تا تمایزهای سبکی دو شاعر برجسته شود. در بخش کیفی، با اتکا به روش توصیفی و تحلیلی، برجسته‌ترین و پرتکرارترین نمونه‌های هر خانواده واژه‌ای استخراج و بر پایه مناسبات صور خیال و دستگاه فکری دو شاعر بررسی شدند. از حیث ملاحظات اخلاقی، اصل امانت‌داری متنی با نقل دقیق ابیات و ذکر ارجاعات شناسنامه‌ای هر دفتر و صفحه رعایت شده است.

### جدولهای فراوانی خانواده‌های واژه‌ای

جدولهای ۳ و ۴ توزیع فراوانی رخدادهای خانواده‌های واژه‌ای اصلی را در دیوان هر دو شاعر نشان میدهند. شایان ذکر است که مجموع رخدادهای طبقه‌بندی شده در این جدولها (۴۶۰ رخداد در دیوان بهبهانی و ۲۸۶ رخداد در دیوان اصفهانی) (نسبت به کل رخدادهای ثبت شده در دیوانها) ۵۸۶ و ۴۳۱ رخداد (کمتر است؛ زیرا رخدادهای مفقود، پراکنده یا واژگان کالبدی نادری که فراوانی رخداد آنها در هر دیوان کمتر از ده مورد بوده) مانند پل، هشتی، چاه، سکو و (...به منظور ممانعت از ایجاد سوگیری آماری در فرایند تحلیل، از جدولهای فراوانی نهایی و محاسبات کای دو کنار گذاشته شده‌اند. این امر سبب تمرکز کامل تحلیل بر روی شاخصهای کالبدی گردیده است.

جدول ۳. بسامد رخداد خانواده‌های واژه‌ای در دیوان سیمین بهبهانی (۴۰۰ واحد، ۴۶۰ رخداد)

| ردیف | خانواده واژه‌ای کالبدی (بهبهانی) | بسامد رخداد |
|------|----------------------------------|-------------|
| ۱    | خانه، سرا، کلبه، کاشانه، پستو    | ۸۹          |
| ۲    | در، دروازه، آستان، درگاه، کلید   | ۷۱          |
| ۳    | دیوار، سقف، طاق، حصار، ستون، خشت | ۶۵          |
| ۴    | شهر، کوچه، بازار، میدان، کوی     | ۴۵          |
| ۵    | گور، مزار، تابوت، لوح، گورستان   | ۴۴          |
| ۶    | بام، ایوان، تالار، رواق، پله     | ۳۲          |
| ۷    | مسجد، معبد، محراب، گنبد، حرم     | ۳۱          |
| ۸    | پنجره، روزن، روزنه، دریچه        | ۲۶          |
| ۹    | زندان، دخمه، محبس، قفس، میله     | ۲۵          |
| ۱۰   | قصر، کاخ، بارگاه                 | ۱۱          |
| ۱۱   | ویرانه، خرابه، آوار، بیغوله      | ۲۰          |
| ۱۲   | سنگر                             | ۱           |

جدول ۴. بسامد رخداد خانواده‌های واژه‌ای در دیوان ژاله اصفهانی (۳۵۰ واحد، ۲۸۶ رخداد)

| ردیف | خانواده واژه‌ای کالبدی (اصفهانی) | بسامد رخداد |
|------|----------------------------------|-------------|
| ۱    | خانه، مسکن، کلبه، کومه           | ۷۰          |
| ۲    | شهر، کوچه، بازار، میدان          | ۴۴          |
| ۳    | در، دروازه، درگاه                | ۴۰          |
| ۴    | قصر، کاخ، بارگاه                 | ۲۹          |
| ۵    | دیوار، سقف، حصار                 | ۲۴          |
| ۶    | مسجد، معبد، گنبد، مناره          | ۱۸          |
| ۷    | سنگر                             | ۱۷          |
| ۸    | زند، دخمه، قفس، میله             | ۱۶          |
| ۹    | گور، مزار، تربت                  | ۱۱          |
| ۱۰   | پنجره، دریچه، روزن               | ۱۰          |
| ۱۱   | بام، ایوان، پله                  | ۴           |
| ۱۲   | ویرانه، خرابه                    | ۳           |

#### ۷-۴. تحلیل تطبیقی الگوهای بسامدی نسبی و تبیین معناداری آماری تمایزها

در تنظیم نهایی جدول توافقی سنجش تفاوتها (جدول ۵)، خانواده کالبدی ویرانه و خرابه به عنوان ردیفی متمایز و مستقل در تحلیل آماری وارد گردید تا سهم سبکشناسانه منحصر به فرد آن در تبیین تمایزهای فضایی به صورت دقیق محاسبه شود. این چینش کالبدی موجب تضمین هندسه آماری جدول و انطباق کامل درجه آزادی آزمون کای دو (df=۱۱) (با توزیع واقعی رخدادها گردیده است).

جدول ۵. مقایسه نرمال شده سهم خانواده‌ها (در هزار رخداد (و تفاوت دو دیوان

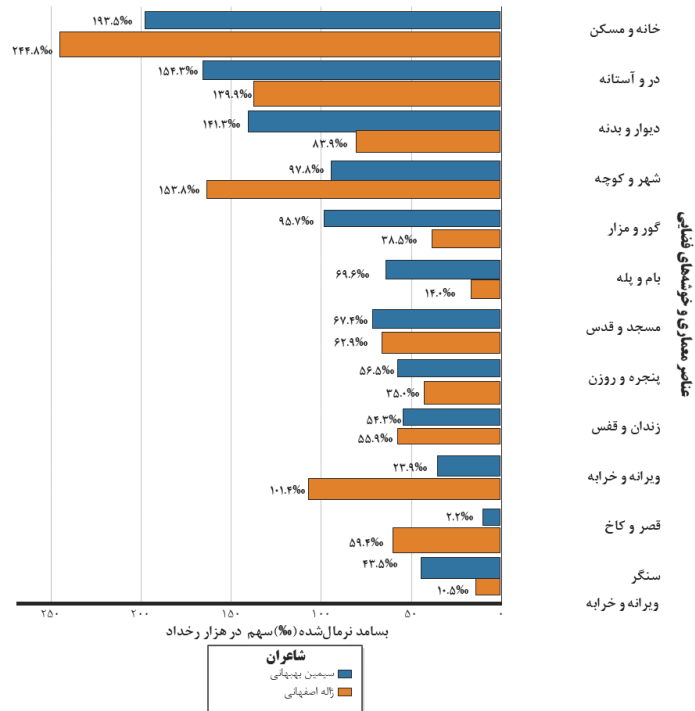
| خانواده واژه‌ای کالبدی | سیمین بهبهانی (%) | ژاله اصفهانی (%) | سویه و کیفیت تفاوت     |
|------------------------|-------------------|------------------|------------------------|
| خانه و مسکن            | ۱۹۳٫۵             | ۲۴۴٫۸            | نزدیک و همگرا          |
| در و آستانه            | ۱۵۴٫۳             | ۱۳۹٫۹            | بیشتر در دیوان بهبهانی |
| دیوار و بدنه           | ۱۴۱٫۳             | ۸۳٫۹             | بیشتر در دیوان بهبهانی |
| شهر و کوچه             | ۹۷٫۸              | ۱۵۳٫۸            | بیشتر در دیوان اصفهانی |

|                |      |       |                        |
|----------------|------|-------|------------------------|
| گور و مزار     | ۹۵,۷ | ۳۸,۵  | بیشتر در دیوان بهبهانی |
| بام و پله      | ۶۹,۶ | ۱۴,۰  | بیشتر در دیوان بهبهانی |
| مسجد و قدسی    | ۶۷,۴ | ۶۲,۹  | نزدیک و همگرا          |
| پنجره و روزن   | ۵۶,۵ | ۳۵,۰  | بیشتر در دیوان بهبهانی |
| زندان و قفس    | ۵۴,۳ | ۵۵,۹  | نزدیک و همگرا          |
| قصر و کاخ      | ۲۳,۹ | ۱۰۱,۴ | بیشتر در دیوان اصفهانی |
| سنگر           | ۲,۲  | ۵۹,۴  | ویژه دیوان اصفهانی     |
| ویرانه و خرابه | ۴۳,۵ | ۱۰,۵  | بیشتر در دیوان بهبهانی |

به منظور سنجش اینکه تفاوت توزیع عناصر کالبدی میان دو دیوان برخاسته از نوسانهای تصادفی نیست، آزمون کای دو روی جدول توافقی فراوانی رخداد ۱۲ خانواده مشترک اجرا شد. خروجی این آزمون تفاوت سبکشناسانه معناداری را میان الگوهای فضا سازی دو شاعر تأیید میکند ( $\chi^2 = 75.82$ ) ( $df = 11$ ) ( $p < .001$ ). وی کرامر  $V = .33$ ). (این آماره ها گویای سوگیری معنادار و شدت متوسط رو به بالای تمایزهای کالبدی در فضای شعری دو شاعر است. بررسی مفروضات آزمون نشان میدهد که ۱۰۰ درصد خانه های جدول توافقی دارای فراوانی مورد انتظار بالای ۵ هستند) حداقل فراوانی مورد انتظار مربوط به متغیر سنگر در ستون دیوان اصفهانی برابر با ۶,۸۹ برآورد گردید که بالاتر از آستانه استاندارد کوکران یعنی ۵ است؛ بنابراین فرضیات ریاضی آزمون کای دو در بالاترین سطح اعتبار و پایایی خود برقرارند. از این رو، آماره کای دو در این تحلیل، بیش از آنکه به مثابه اثبات ریاضی قطعی قلمداد شود، در نقش قرینه ای توصیفی و پشتیبان در کنار مقایسه توزیع نسبی و تحلیل کیفی کاربست یافته است. a. به منظور واکاوی دقیق الگوهای فضا سازی و سنجش عینی تفاوت های سبکشناسانه در شعر دو شاعر، بسامدهای استخراج شده بر اساس شاخص در هزار رخداد (‰) نرمال سازی شدند. این تعدیل آماری، امکان مقایسه عادلانه داده ها را فارغ از حجم متفاوت دیوانها فراهم میسازد. نمودار ۱، توزیع بسامدی تطبیقی عناصر معماری را در جهان شعری سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی به تصویر میکشد.

## نمودار ۱: توزیع بسامدی تطبیقی عناصر معماری

نمودار ۱. توزیع بسامدی تطبیقی عناصر کالبدی معماری در دیوان دو شاعر



تحلیل داده‌های نمودار ۱ نشان‌دهنده دو الگوی سبکشناسانه متمایز است؛ هندسه فضا در شعر سیمین بهبهانی درون‌گرا، عینی و متمرکز بر مرزهای انسداد و گشودگی خانگی (به‌ویژه در و آستانه با ۱۵۴,۳٪ و دیوار و بدنه با ۱۴۱,۳٪) است که بازتاب‌دهنده تنشهای زیست بدنی او در فضای بسته است. در مقابل، جهان ژاله اصفهانی رو به فضاهای بیرونی، عمومی و یادمانی (شهر و کوچه با ۱۵۳,۸٪ و قصر و کاخ با ۱۰۱,۴٪) گشوده میشود که نشان‌دهنده تجربه هجرت و بازسازی وطن غایب است. معناداری بالای آزمون کای دو  $p < ۰,۰۰۱$  (نیز تفاوت ساختاری این دو رویکرد سبکشناسانه را نشان میدهد).

### تحلیل کیفی عنصر محور فضای شعری

در این بخش، یازده عنصر اصلی کالبدی در قالب چهار خوشه معنایی و فضایی تحلیل میشوند: خوشه مرز و گشودگی (در، پنجره، دیوار؛ خوشه سکونت و محصوریت) خانه، زندان، بام و پله؛ خوشه فضاهای نهادی، یادمانی و قدرت (مسجد، گور، قصر و سنگر؛ و خوشه عرصه عمومی و کالبد فرو ریخته) شهر و کوچه، ویرانه. (هدف، واکاوی پیوند میان کالبد فیزیکی، صورت خیالی و معنای فکری این عناصر در شعر دو شاعر است.

### در، دروازه و آستانه (مرزهای تعامل و منازعه اراده‌ها)

در و آستانه، نخستین نقاط برخورد فیزیکی و مرز گذار میان قلمروهای متمایزند. در معماری ایرانی، آستانه حریم میان اندرونی و بیرونی را میسازد و بار احترام، اجازه و انتظار دارد. این خانواده با ۷۱ رخداد در دیوان بهبهانی و ۴۰ رخداد در دیوان اصفهانی ثبت شده است. در شعر بهبهانی، در به صحنه اصرار تن حاضر بر آستانه و میدان اراده‌ها بدل میشود: باز کن! (این در به رویم باز کن) بهبهانی، ۱۳۹۵: ۴۰؛ فعل امر باز کن و اصرار بدنی سوژه، نشان میدهد که گشودن یا بستن در، کنشی از اعمال قدرت فردی است. در مقابل، آستانه در شعر اصفهانی بار قدسی و یادمانی به خود میگیرد و محل سلوک ملی و پیوند با میراث متعالی قرار میگیرد: من و درگاه حافظ جاوید؟ ... میگذارم بر آستانش سر) اصفهانی، ۱۳۹۵: ۴۷۸.

تطبیق و دلالت طراحانه: آستانه بهبهانی صحنه منازعه فردی بر سر دسترسی است و آستانه اصفهانی محل خضوع و بازگشت به ریشه‌ها. در کالبد معماری، در پیش کشنده مفهوم سلسله مراتب گذار است که با هشتی و درگاه آهنگ ورود را تنظیم میکند.

### پنجره، روزن و دریچه (مجرای نگاه و تمنای گشایش)

پنجره شکافی کنترل شده در بدنه صلب دیوار است که میان درون و بیرون تعادل برقرار میسازد و نور و نگاه را عبور میدهد. بسامد رخداد آن در بهبهانی ۲۶ و در اصفهانی ۱۰ مورد است. در شعر بهبهانی، روزن به مثابه عضوی از بدن زنانه عمل میکند که اراده دارد: از روزن دو چشم تو میبینم، آن عالمی که دلکش و دلخواه است) بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۸۲. (این هم ترازوی چشم و روزن، پنجره را به بستری برای ادراک حسی بدل میسازد. در شعر اصفهانی، پنجره ترجیع بند اشتیاق بازگشت به میهن و استعاره کلان گشایش قرار میگیرد: پنجره را باز کن ... در وطن آیا کنند یادی از من؟) اصفهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۸. (پنجره در اینجا دریچه‌ای به سرزمین امید است.

تطبیق و دلالت طراحانه: پنجره بهبهانی به اندام‌واره‌ای برای کنش و نگاه بدنی نزدیک بدل میشود و پنجره اصفهانی رو به افق دوردست وطن غایب گشوده میشود. در لایه طراحی، پنجره تنظیم کننده جهت و شدت نگاه و اشتیاق ساکن است.

### دیوار و حصار (کالبد صلب پناه یا انضباط قدرت)

دیوار عنصر بنیادی تعریف فضا است که میان حمایت و حبس نوسان میکند. بسامد آن در بهبهانی ۶۵ و در اصفهانی ۲۴ است. در شعر بهبهانی، دیوار هم محرم رازهای تنهایی شاعر است، راز درون تیره من داند، این سایه‌یی که بر رخ دیوار است) بهبهانی، ۱۳۹۵: ۸۸ (و هم به مصالحی صلب برای بازسازی فکری میهن بدل میشود، دوباره میسازم وطن، اگر چه با خشت جان خویش) همان ۷۱۱. (در شعر اصفهانی، دیوار دفتر حرمانها و هم‌زمان نماد سلطه سیاسی حاکم است که فرو ریختنش لازمه گشایش فضا است: شکافت سینه دیوار ظلم و ظلمت را، اسیر بود و ره چاره جست و عصیان کرد) اصفهانی، ۱۳۹۵: ۲۵۶.

تطبیق و دلالت طراحانه: بهبهانی دیوار را به ماده بازسازی وطن ارتقا میدهد و اصفهانی آن را مانعی صلب و شکستنی در مسیر رهایی میداند. دیوار در معماری، پرسش نگهداشت حافظه و ثبت رد زمان را پیش میکشد.

#### خانه و کاشانه (آونگ پناهگاه و حصار)

خانه نخستین جهان انسان و کانون تجربه زیسته است که در شعر هر دو شاعر رتبه نخست بسامد را دارد (۸۹ رخداد در بهبهانی و ۷۰ رخداد در اصفهانی). (در شعر بهبهانی، خانه میان پناهگاه و حصار دویاره میشود: به خانه گذر چه اسیرم، خیال من با توست) بهبهانی، ۱۳۹۵: ۲۰۲ (که بازتابی مستقیم از دگرگونیهای اجتماعی مفهوم خانه و تبدیل آن به فضایی بحرانی است) نریمانی و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۰. (تقابل تن محصور در خانه با آزادی خیال، تنش فضایی ایجاد میکند. در شعر اصفهانی، غربت و تبعید خانه را تا مرز زندان پیش میبرد: من از این خانه خاکی خدایا سیر و بیزارم) اصفهانی، ۱۳۹۵: ۵۲. بر لب رسیده جانم از زندان خانه (همان: ۱۹۲).

تطبیق و دلالت طراحانه: بهبهانی دوگانگی خانه را با پرواز خیال حل میکند، درحالی که اصفهانی آن را در غربت به مثابه قفس و غریبگی مطلق باز میسازد. خانه در بستر طراحی، تبیین کننده موازنه میان پناهندگی و رهایی است.

#### زندان، قفس و دخمه (نهایت انضباط فضایی)

زندان حد افراطی محصوریت و اعمال قدرت کالبدی است. بسامد آن در بهبهانی ۲۵ و در اصفهانی ۱۶ است. این ساختارهای صلب انضباطی، نوعی چهارچوب مفهومی کالبدی برای اعمال سلطه به شمار میروند در شعر بهبهانی، زندان از یک نهاد بیرونی تا کالبد و پیکر خود شاعر امتداد مییابد: دیگر چه مانده از من... جز پیکر حقیری، زندان نیمه جانی؟) بهبهانی، ۱۳۹۵: ۴۶۳. (در شعر اصفهانی، زندان پیوندی میان غربت سیاسی و بدنی است: زندان بود برای من این جسم دردمند) اصفهانی، ۱۳۹۵: ۴۲.

تطبیق و دلالت طراحانه: زندان بهبهانی موقعیت جنسیتی و اجتماعی او را نشانه میبرد و زندان اصفهانی به تبعید و سلب رهایی سیاسی ربط مییابد. در کالبد مصنوع، زندان حد نهایی تصمیم گیری برای مرزبندی مطلق دسترسی هاست.

#### بام و پله (محورهای عمودی صعود و سقوط)

پله ابزار گذار میان ترازها و بام مرز نهایی فوقانی است که ارتفاع و حرکت عمودی را تعریف میکنند. بسامد آن در بهبهانی ۳۲ رخداد است و در اصفهانی ۴ رخداد دارد. بهبهانی بام را به ایستگاه دیده بانی تن و پله را به محور سقوط کالبد بدل میسازد: افکند از پله به زیر، قربانی بر سر خاک (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۰۸۷). در اصفهانی، بام بلندای آرزوهاست که فرود از آن، مواجهه با دیوار حقیقت است: افتادم از بام بلند آرزوها، در پای دیوار حقیقت (اصفهانی، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

تطبیق و دلالت طراحانه: بهبهانی محور عمودی را با تهدید فیزیکی و سقوط بدن پیوند میدهد و اصفهانی آن را تبیین کننده فراز و فرود آرمانها میداند. در معماری، محور عمودی به پویایی حرکت صعود و آهنگ فضا تشخص میبخشد.

#### مسجد و گنبد (کالبدهای قدسی زمینی و کیهانی)

بنای قدسی جهت دهنده سوژه به امر متعالی است. بسامد آن در بهبهانی ۳۱ و در اصفهانی ۱۸ است. در شعر بهبهانی، مسجد گاهی پناهگاهی سرد است: مسجد و آن گنبد مینایی اش، چون عروسی باحیا، سرد و خموش (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۴۷). گاهی نیز مأوای فقر زمینی قرار میگیرد: خفته ام گرسنه با حسرت نان، گوشه مسجد

و بر کهنه حصیر. در شعر اصفهانی، گنبد از کالبد مادی مسجد خارج شده و گنبد گردنده کیهانی میشود تا تقدیر جمعی بشر را نشان دهد: گنبد گردنده گوی ماست (اصفهانی، ۱۳۹۵: ۲۲).  
تطبیق و دلالت طراحانه: مسجد بهبهانی کالبدی زمینی برای آیینها و حضور اجتماعی فقر است و گنبد اصفهانی قبه گردنده فلک است. در لایه طراحی، جهت‌مندی فضا و فرم سقف، رابطه ساکن را با آسمان تعریف میکند.

#### گور، مزار و تابوت (یادمانهای فردی و جمعی حافظه)

گور کالبدی است که حافظه و ابدیت را پیوند میزند. بسامد آن در بهبهانی (۴۴) رتبه پنجم (و در اصفهانی ۱۱) است. بهبهانی گور را درونی ساخته و آن را به تنی سوگوار تشبیه میکند: من گور ویم، گور ویم، بر تن گرمش، بر سنگ گور من مگرید (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲) (گور در اینجا استعاره‌ای برای انباشت اندوه‌های فردی است. اصفهانی گور را بیرونی و جمعی میداند که به مزار شهید و موطن گره‌خورده است: به هر مزار شهیدش نهیم لاله سرخ) اصفهانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

تطبیق و دلالت طراحانه: گور بهبهانی درون‌گرا و بدنی است و مزار اصفهانی برون‌گرا و ملی. گور در لایه طراحی، پرسش چگونگی نگه‌داشت و تبلور کالبدی حافظه تاریخی را عیان میسازد.

قصر، کاخ و سنگر (کالبدهای اعمال سلطه و مقاومت)

کاخ معماری اعمال قدرت است و سنگر بستر دفاع و مقاومت. بسامد قصر و کاخ در اصفهانی ۲۹ و سنگر ۱۷ مورد است؛ درحالی‌که کاخ در بهبهانی کم‌بسامد (۱۱) (با نگاه انتقادی همراه است. بهبهانی کاخ را نماد سلب آزادی و استقلال میداند: مرا عار آید از کاخی که در آن، نه آزادی نه استقلال دارم) بهبهانی، ۱۳۹۵: ۹۱). اصفهانی کاخ را یادآور شکوه تمدنی ملی میداند (ز آستانه کاخ بلند فردوسی... تخت جمشید) (اصفهانی، ۱۳۹۵: ۸۰۸). و سنگر را به‌عنوان بستر پویای انقلاب و مبارزه وارد شعر میکند: من و غوغای سنگرهای پیکار (همان: ۱۷۱).

تطبیق و دلالت طراحانه: کاخ بهبهانی بستر نقد حاکمیت است و کاخ اصفهانی بستر هویت تاریخی، درحالی‌که سنگر عنصر متمایز اصفهانی برای تعریف فضای مقاومت است. بنای یادمانی همواره زبانی برای تبلور مادی قدرت یا پایداری در برابر آن است.

#### شهر، کوچه، بازار و میدان (بسترهای حیات جمعی)

عرصه عمومی بستر مبادله و تعامل بدن‌هاست. بسامد آن در بهبهانی ۴۵ و در اصفهانی ۴۴ است. نگرش به کالبد عرصه عمومی از دریچه شعر معاصر، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان کالبد مصنوع و رفتارهای اجتماعی زنده است. در شعر بهبهانی، کوچه و بازار صحنه داوریهای تند اجتماعی و مبادلات مادی قرار میگیرد: گرم‌تر کی دیده‌ای بازاری از بازار ما؟ (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۴۴۰). (در شعر اصفهانی، شهر سپاهان کانون نوستالژی، حافظه و اندوه جانکاه تبعید است: ببین که شهر سپاهان چگونه بوده و چون شد... ز شهر سپاهان سفر مکن (همان: ۳۰).

تطبیق و دلالت طراحانه: شهر بهبهانی عرصه عمومی اکنون ملموس و داوری تن است و شهر اصفهانی جغرافیای از دست‌رفته خاطره. عرصه عمومی در لایه طراحی، صحنه حضور فیزیکی یا غیبت و حسرت بدن ادراک‌کننده را رقم میزند.

### ویرانه، خرابه و آوار (کالبد فرو ریخته و رهایی)

ویرانه تجسد مادی زوال و پایان زمان‌مندی بناست. بسامد آن در بهبهانی ۲۰ و در اصفهانی ۳ است. بهبهانی ویرانه را خلوتی اصیل، رها شده و پناهگاهی امن در برابر کاختهای مجلل میداند که طرح‌واره‌ای برای بازتعریف کالبدی فضا به شمار می‌رود. سایه ویرانه غم خلوت دلخواه ماست، کاخ مرمر گون شادی از تو باد از ما مباد! (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۳۰۳). اصفهانی ویرانی را معادل ویرانی تاریخی جغرافیا و زوال کالبدی شهر در زیر آوار جنگ میداند.

تطبیق و دلالت طراحانه: ویرانه بهبهانی خلوت برگزیده سوژه و ویرانه اصفهانی اندوه ناشی از تخریب کالبدی سرزمین است. ویرانه در طراحی، مرز پویای میان زوال فرم فیزیکی و زایش کیفیتهای حسی جدید است.

### بحث و تفسیر یافته‌ها

واکاوی یازده عنصر کالبدی در قالب چهار خوشه ساختاری، دو منطق متمایز سبکشناسانه را در فضاسازی این دو شاعر برجسته می‌سازد. در دیوان سیمین بهبهانی، عناصر معماری به‌عنوان استعاره‌هایی عینی برای بیان تنشهای جنسیتی، انضباط اجتماعی و عاملیت بدن حاضر عمل میکنند. در، صحنه منازعه اراده‌ها؛ دیوار، مصالح بازسازی عینی؛ زندان، کالبد تن زنانه؛ بازار، عرصه داوری اجتماعی بدن؛ و ویرانه، پناه خلوت اصیل به شمار می‌روند. این آرایش بازتاب‌دهنده نوسازی غزل بهبهانی برای بازنمایی اکنون ملموس است.

در مقابل، در شعر ژاله اصفهانی، عناصر کالبدی در قامت رسانه‌ای برای بازسازی نوستالژیک وطن غایب، رنج تبعید و آرمان‌خواهی سیاسی ظاهر میشوند. پنجره، روزن امید؛ آستانه، محل سرسپردگی ملی؛ سنگر، عنصر مبارزه؛ و شهر سپاهان، کانون فقدان است. این منطق با زیست‌جهان شعر هجرت اصفهانی تطابق دارد.

مهم‌ترین وجه اشتراک دو شاعر، دوپهلوسازی عناصر محصورکننده (نظیر مرزهای خانه) و ارتقای عناصر گشودگی (پنجره و در) از مرزهای فیزیکی صلب به مجراهای پویای ارتباطی و رهایی است. جدول ۶، دلالت‌های سبکی یازده عنصر کالبدی را به همراه اشاره‌های فضایی و طراحانه پیشنهادی به‌عنوان افقی نو برای پژوهشهای معمارانه خلاصه میکند.

جدول ۶. جمع‌بندی دلالت سبکی عناصر و اشاره فضایی فرعی

| عنصر          | دلالت غالب در بهبهانی     | دلالت غالب در اصفهانی    | اشاره فضایی فرعی     |
|---------------|---------------------------|--------------------------|----------------------|
| در و آستانه   | منازعه دسترسی و اراده     | سلوک و پیوند قدسی و ملی  | سلسله گذار ورود      |
| پنجره و روزن  | نگاه و کنش بدنی           | دریچه حافظه و امید       | تنظیم نگاه و نور     |
| دیوار و حصار  | سطح راز و مصالح بازسازی   | دفتر حرمان و نماد سلطه   | دیوار به‌مثابه حافظه |
| خانه و کاشانه | اسارت تن و گریز خیال      | خانه هم‌مرز با زندان     | نسبت پناه و رهایی    |
| زندان و قفس   | تن زنانه و موقعیت اجتماعی | نهاد سیاسی و غربت        | کنترل دسترسی         |
| بام و پله     | رصد مرگ و محور سقوط       | بلندای آرزو و فرود آرمان | روایت صعود و فرود    |
| مسجد و گنبد   | فضای زمینی فقر و آیین     | قبه کیهانی و تقدیر       | جهت و سقف متعالی     |
| گور و مزار    | حافظه فردی زنانه          | یادمان ملی و شهید        | نگه‌داشتن حافظه      |
| قصر و سنگر    | نقد قدرت                  | یادمان شکوه و مقاومت     | بیان قدرت و مقاومت   |

| عناصر         | دلالت غالب در بهبهانی | دلالت غالب در اصفهانی | اشاره فضایی فرعی  |
|---------------|-----------------------|-----------------------|-------------------|
| شهر و بازار   | صحنه داوری بدن        | شهر ازدست رفته        | عرصه حضور و فقدان |
| ویرانه و آوار | خلوت اصیل و پناه      | زوال تاریخی شهر       | فضای اصالت و زوال |

### نتیجه گیری

این پژوهش منطق فضا سازی را از دل عناصر معماری شعر سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی، بر پایه سرشماری کل دیوان و روشی گام به گام و اعتبار سنجی شده، استخراج کرد. سرشماری ۴۰۰ واحد از دیوان بهبهانی و ۳۵۰ واحد از دیوان اصفهانی، همراه با کاپای ۵۴، ۰ و ۶۲، ۰، میتواند نشان دهد که شواهد تحلیل، نماینده ای از الگوهای غالب هستند. جدولهای فراوانی نشان دادند که خانه، دیوار و در، ستونهای فضای شعری هر دو شاعرند و پوشش یازده عنصر در چهار خوشه، تصویری فراگیر از کالبد شعری آنان به دست داد.

هسته دستاورد این پژوهش، ادبی و سبکشناسانه است: نشان دادن آنکه عناصر کالبدی در صور خیال این دو شاعر چگونه از کارکرد توصیفی ساده به دلالت فضایی چندلایه ارتقا مییابند و چگونه یک تصویر بلاغی، بار عاطفی و اجتماعی تجربه زیسته را حمل میکند. این خوانش بر شالوده سبکشناسی و صور خیال فارسی (شفیعی کدکنی، شمیسا، کزازی، همایی، فتوحی رودممعجنی، پورنامداریان، پورنامداریان و سیدی، غفاری و امینی و شایسته فر) استوار است و آراء غربی (آنتونیادس، باشلار، هایدگر، مسی، لوفور، فاولر و گادوین) تنها آن را تکمیل کرده اند. لایه طراحی محور در برابر این هسته، افقی فرعی و پیشنهادی است که به پژوهش مستقل آینده واگذار میشود.

در پاسخ به پرسشهای پژوهش، یافته ها روشن ساخت که هر عنصر افزون بر کارکرد خود معنایی ضمنی حمل میکند که در بافت جنسیتی و تاریخی هر شاعر شکل میگیرد که دو شاعر با عناصر مشترک دو منطق متفاوت (منطق قدرت و بدن در بهبهانی، منطق حافظه و تبعید در اصفهانی) میسازند، دستاورد مشترک، ارتقای عناصر گشودگی به مجرای امید و دوپهلوسازی خانه میان پناه و حصار است. برآیند کار، جدولی تفسیری از دلالت سبکی یازده عنصر است که میتواند نقطه آغاز خوانشهای تازه از فضای شعر زنانه و در افقی فرعی زمینه پژوهشهای طراحی آینده باشد.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل استخراج شده است. آقای دکتر علی جوان فروزنده راهنمایی رساله را برعهده داشته اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده اند. جناب آقای دکتر حسن ستاری ساربانقلی و آقای کامران پاشایی فخری به عنوان مشاوران و دانشجو سرکار خانم پریا نریمانی پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر میباشد.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از اعضای هیئت تحریریه نشریه وزین سبکشناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام می نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش برعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

### REFERENCES

- Abedi, K. (2021). Social components and thematic approaches in Zhaleh Esfahani's poetry. *Poetry Studies (Boustan-e Adab)*, 13(4), 147–168. [In Persian]
- Ansari, S., & Gholamhosseinzadeh, G. (2021). Semiotic analysis of space and place in contemporary Iranian poetry (Case study: Physical representation in New Poetry). *Literary Research*, 18(72), 85–110. [In Persian]
- Antoniades, A. C. (1992). *Poetics of architecture: Theory of design*. New York: John Wiley & Sons.
- Babeli Bahme, E., & Mostafavi-Nia, S. M. R. (2024). Feasibility of analyzing contemporary poetry based on Gaston Bachelard's theory of the poetics of space (Example: Analysis of Mustafa Jamal al-Din's poems). *Arabic Language and Literature (Ferdowsi University of Mashhad)*, 16(2), 19–35. [In Persian]
- Bachelard, G. (1994). *The poetics of space* (M. Jolas, Trans.). Boston: Beacon Press. (Original work published 1957).
- Behbahani, S. (2011). *Collection of poems (Eight books)*. Tehran: Negah Publications. [In Persian]
- Behbahani, S. (2016). *Collection of poems*. Tehran: Negah Publications. [In Persian]
- Casey, E. S. (1994). *Getting back into place: Toward a renewed understanding of the place-world*. Bloomington: Indiana University Press.
- Dadvar, E., & Sadeghi, F. (2022). A semiotic analysis of female identity and domestic spatial relations in Simin Behbahani's poetry. *Woman in Culture and Art*, 14(2), 301–324. [In Persian]
- Darabpour, I. (2011). The position of Iranian women in contemporary poetry. *Woman and Culture (Cultural Psychology of Woman)*, 2(7), 21–33. [In Persian]
- Darvishi, O., & Ziraksaz, K. (2020). Woman in Simin Behbahani's poems and the female voice. *Ormazd Research Journal*, 12(53), 24–45. [In Persian]
- Esfahani, Zh. (2008). *Collection of poems*. Tehran: Toos Publications. [In Persian]
- Esfahani, Zh. (2016). *Collection of poems*. Tehran: Negah Publications. [In Persian]
- Fotouhi-Rudmajani, M. (2021). Structural stylistics and geometry of text in contemporary Iranian poetry. *Literary Criticism*, 14(53), 7–39. [In Persian]
- Fowler, E. (2024). *Poetry and the built environment: A theory of the body of art*. Oxford: Oxford University Press.

- Ghaffari, R., & Amini, M. (2023). A perspective on architectural space from the viewpoint of contemporary poetry and semantic quality of space. *Honar-ha-ye-Ziba: Memari-va-Shahrsazi*, 28(1), 55–66. [In Persian]
- Godwin, E. A. J. (2019). Poetry and the architecture of imagination [Doctoral dissertation]. Aberystwyth University.
- Hassan-li, K., & Heydari, M. (2006). Investigation of contemporary life elements in Simin Behbahani's poetry. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 23(48), 1–22. [In Persian]
- Havik, A., et al. (2025). Architectural poetics and the dynamics of space: Skeleton architecture for discovering spatial atmospheres. London: Routledge.
- Heidegger, M. (1971). Poetry, language, thought (A. Hofstadter, Trans.). New York: Harper & Row.
- Hemmasi, F. (2017). Rebuilding the homeland in poetry and song: Simin Behbahani. *Iranian Studies*, 50(3), 411–432.
- Homaie, J. (1991). Rhetorical techniques and literary devices. Tehran: Homa Publications. [In Persian]
- Jomeh Fallahiezadeh, H., Nemati, F., & Moradi, A. (2024). A comparative study of the effect of gender on language in the poetry of Zhaleh Esfahani and Souad al-Sabah. *Comparative Language and Literature Research (Azad University)*, (659), 45–68. [In Persian]
- Kazazi, M. J. (1989). Aesthetics of Persian speech (1): Expression. Tehran: Nashr-e-Markaz. [In Persian]
- Khademi, M., & Taheri, G. (2024). Analysis of manifestations of place nostalgia and physical elements of the house in Zhaleh Esfahani's poems. *Comparative Language and Literature Research*, 14(4), 119–142. [In Persian]
- Lefebvre, H. (1991). The production of space (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford: Blackwell.
- Malpas, J. (2008). Heidegger's topology: Being, place, world. Cambridge: MIT Press.
- Massey, D. (1994). Space, place and gender. Cambridge: Polity Press.
- Milani, F. (2008). Simin Behbahani: A national poet on the global stage. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 28(2), 335–346.
- Narimani, P. (2026). A comprehensive redefinition of architectural space from the perspective of contemporary poetry [Doctoral dissertation]. Islamic Azad University. [In Persian]
- Narimani, P., Javan Forouzande, A., Sattari Sarbangoli, H., & Pashaie Fakhri, K. (2024). A perspective on architectural space from the viewpoint of contemporary poetry. *International Conference on Architecture, Urbanism, Art, Industrial Design, Construction and Wisdom-based Technology*, Tehran, Iran. [In Persian]

- Omid-Ali, A., & Karimi, M. (2023). Poetics of space and stylistic analysis of the architectural structure of words in Simin Behbahani's social ghazals. *Literary Text Research*, 27(96), 143–167. [In Persian]
- Pournamdarian, T. (2002). My house is cloudy: Nima Yooshij's poetry from tradition to modernity. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Pournamdarian, T., & Seyyedi, S. A. R. (2022). A comparative study of mental spatialization and physical elements of built architecture in contemporary Iranian poetry. *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab)*, 15(2), 201–225. [In Persian]
- Shafiei Kadkani, M. R. (1991). Imagery in Persian poetry. 4th ed. Tehran: Agah. [In Persian]
- Shamisa, S. (1995). General stylistics. Tehran: Ferdous. [In Persian]
- Shayestehfar, M. (2009). Interaction of architecture and Persian poetry in buildings of the Timurid and Safavid eras. *Negareh*, 4(11), 35–52. [In Persian]

#### فهرست منابع فارسی

- آنتونیادس، آنتونی سی (۱۹۹۲). بوطیقای معماری: نظریه طراحی. نیویورک: جان وایلی و پسران.
- اصفهانی، ژاله (۱۳۹۵). مجموعه اشعار. تهران: نشر توس.
- امید علی، احمدخانی، و کریمی، مریم (۱۴۰۲). بوطیقای فضا و تحلیل سبک‌شناختی ساختار معماری کلمات در غزل‌های اجتماعی سیمین بهبهانی. متن‌پژوهی ادبی، ۲۷ (۹۶)، ۱۴۳-۱۶۷.
- انصاری، سمیه، و غلامحسین‌زاده، غیاث‌الدین (۱۴۰۰). تحلیل نشانه‌شناختی فضا و مکان در شعر معاصر ایران (مطالعه موردی: بازنمایی کالبدی در شعر نو). پژوهش‌های ادبی، ۱۸ (۷۲)، ۸۵-۱۱۰.
- بابلی بهمه، الهام، و مصطفوی نیا، سید محمد رضی (۱۴۰۳). امکان‌سنجی تحلیل شعر معاصر بر اساس نظریه بوطیقای فضای گاستون باشلار نمونه: تحلیل سروده‌های مصطفی جمال‌الدین. زبان و ادبیات عربی (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۱۶ (۲)، ۱۹-۳۵.
- باشلار، گاستون (۱۹۹۴). (بوطیقای فضا. بوستون: بیکن پرس.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۹۵). مجموعه اشعار (هشت دفتر). تهران: انتشارات نگاه.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱). (خانه‌ام ابری است: شعر نیما یوشیج از سنت تا تجدد. تهران: سروش.
- پورنامداریان، تقی، و سیدی، سید علیرضا (۱۴۰۱). (بررسی تطبیقی فضاسازی ذهنی و عناصر کالبدی معماری مصنوع در شعر معاصر ایران. سبکشناسی نظم و نثر فارسی) بهار ادب (۱۵)، ۲ (۱۵)، ۲۰۱-۲۲۵.
- جمعه فلاحیه‌زاده، هدی، نعمتی، فاروق، و مرادی، ایوب (۱۴۰۳). (بررسی تطبیقی تأثیر جنسیت بر زبان در شعر ژاله اصفهانی و سعاد الصباح. پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی) دانشگاه آزاد (۶۵۹)، ۶۵-۶۸.
- حسن‌لی، کاووس، و حیدری، مریم (۱۳۸۵). (بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین بهبهانی. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۳ (۴۸)، ۱-۲۲.

- خادمی، مریم، و طاهری، قدرت‌الله. ۱۴۰۳. (واکاوی جلوه‌های نوستالژی مکان و عناصر کالبدی خانه در اشعار ژاله اصفهانی. پژوهشهای زبان و ادبیات تطبیقی، ۱۴(۴)، ۱۱۹-۱۴۲.
- دادور، ایلیمیرا، و صادقی، فرزانه. (۱۴۰۱). تحلیل نشانه‌شناختی هویت زنانه و مناسبات فضایی درون‌بوم در شعر سیمین بهبهانی. زن در فرهنگ و هنر، ۱۴(۲)، ۳۰۱-۳۲۴.
- داراب‌پور، عیسی. (۱۳۹۰). جایگاه زن ایرانی در شعر معاصر. زن و فرهنگ (روان‌شناسی فرهنگی زن)، ۲(۷)، ۲۱-۳۳.
- درویشی، امید، و زیرک ساز، کتیور. (۱۳۹۹). زن در اشعار سیمین بهبهانی و صدای زنانه. پژوهش‌نامه اورمزد، ۱۲(۵۳)، ۲۴-۴۵.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۸). تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی. نگره، ۴(۱۱)، ۳۵-۵۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی. ویرایش چهارم. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). کلیات سبکشناسی. تهران: فردوس.
- عابدی، کامیار. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های اجتماعی و رویکردهای درون‌مایه‌ای در شعر ژاله اصفهانی. شعرپژوهی (بوستان ادب)، ۱۳(۴)، ۱۴۷-۱۶۸.
- غفاری، رحمان، و امینی، مریم. (۱۴۰۲). نگرشی بر فضای معماری از منظر شعر معاصر و کیفیت‌بخشی معنایی به فضا. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۸(۱)، ۵۵-۶۶.
- فالور، الیزابت. (۲۰۲۴). شعر و محیط مصنوع: نظریه‌ای درباره کالبد هنر. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- فتوحی رودمجنی، محمود. (۱۴۰۰). سبکشناسی ساختاری و هندسه متن در شعر معاصر ایران. نقد ادبی، ۱۴(۵۳)، ۷-۳۹.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (۱): بیان. تهران: نشر مرکز.
- گادوین، ای. ای. جی. (۲۰۱۹). (شعر و معماری تخیل) رساله دکتری. (دانشگاه آبريستويث. لوفور، هانری. (۱۹۹۱). تولید فضا. آکسفورد:
- بلکول. ماسی، دورین. (۱۹۹۴). (فضا، مکان و جنسیت. کمبریج: انتشارات پولیتی.
- میلانی، فرزانه. (۲۰۰۸). سیمین بهبهانی: شاعری ملی در صحنه جهانی. مطالعات تطبیقی جنوب آسیا، آفریقا و خاورمیانه، ۲۸(۲)، ۳۳۵-۳۴۶.
- نریمانی، پریا، جوان فروزنده، علی، ستاری‌ساربانقلی، حسن، و پاشایی فخری، کامران. (۱۴۰۳). نگرشی بر فضای معماری از منظر شعر معاصر. کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، هنر، طراحی صنعتی، ساخت و فناوری حکمت‌بنیان، تهران، ایران.
- نریمانی، پریا، جوان فروزنده، علی، ستاری‌ساربانقلی، حسن، و پاشایی فخری، کامران. (۱۴۰۵). بازنمایی دگرگونیهای اجتماعی مفهوم خانه در اشعار سیمین بهبهانی؛ تحلیلی بر پایه نظریه تولید فضای هانری لوفور. تغییرات اجتماعی فرهنگی، ۲۳(۲)، ۱-۱۵.

هایدگر، مارتین. (۱۹۷۱). شعر، زبان، اندیشه. نیویورک: هارپر و رو.  
هماسی، فریده. (۲۰۱۷). بازسازی میهن در شعر و ترانه: سیمین بهبهانی. مطالعات ایرانی، ۵۰(۳)، ۴۱۱-۴۳۲.  
همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما

#### معرفی نویسندگان

پریا نریمانی: دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

(Email: [p.narimani@iau.ac.ir](mailto:p.narimani@iau.ac.ir))

(ORCID: 0009-0007-9664-6349)

علی جوان فروزنده: گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

(Email: [ali.javanforouzandeh@iau.ir](mailto:ali.javanforouzandeh@iau.ir) (نویسنده مسئول))

(ORCID: 0000-0002-6850-3777)

حسن ستاری ساربانقلی: گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: [sattari@iaut.ac.ir](mailto:sattari@iaut.ac.ir))

(ORCID: 0000-0001-7556-3199)

کامران پاشایی فخری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: [kamranpashaei@iau.ac.ir](mailto:kamranpashaei@iau.ac.ir))

(ORCID: 0000-0003-4140-6333)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Parya Narimani:** PhD student in the Department of Architecture, Ard.C., Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

(Email: [p.narimani@iau.ac.ir](mailto:p.narimani@iau.ac.ir))

(ORCID: 0009-0007-9664-6349)

**Ali Javan Forouzandeh:** Department of Architecture, Ard.C., Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

(Email: [ali.javanforouzandeh@iau.ir](mailto:ali.javanforouzandeh@iau.ir): Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-6850-3777)

**Hassan Sattari Sarbangoli:** Department of Architecture, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: [sattari@iaut.ac.ir](mailto:sattari@iaut.ac.ir))

(ORCID: 0000-0001-7556-3199)

**Kamran Pashaie Fakhri:** Department of Persian Language and Literature, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: [kamranpashaei@iau.ac.ir](mailto:kamranpashaei@iau.ac.ir))

(ORCID: 0000-0003-4140-6333)